

در باره وحدت دو شاخه حزب دمکرات

دو شاخه جدا شده حزب دمکرات کردستان مجددا متحد شدند. دوری و نزدیکی در بسترهای واحد سیاسی همواره وجود داشته است و به این معنا اتفاق مهم سیاسی ای نیافتاده است. تردیدی نیست که نفس این تصمیم و اقدام، صفوف حزب دمکرات و ناسیونالیسم کرد را موقتا امیدوار میکند. تبریک ها و ابراز خوشحالی در کمپ نیروهای ناسیونالیسم کرد این جنبه را منعکس می کند.

در عین حال، این اقدام حاصل یکدوره شکست و انزوای سیاستهای حزب دمکرات و متحدین فدرالیست آنهاست و قرار است مرهمی روی این زخم بگذارد. شاخه آقای مصطفی هجری اساسا امیدش را به آمریکا و عربستان و جنگ بسته بود و شاخه آقای خالد عزیزی اساسا به نزدیکی با جمهوری اسلامی. هر دو شاخه حزب دمکرات و دو شاخه زحمتکشان در نشست مخفیانه و بند و بست با جمهوری اسلامی از بالای سر مردم تحت عنوان "مذاکره" در سالهای اخیر حضور داشتند که از اخبار آن همگان اطلاع دارند.

تلاش جو بایدن و دولت آمریکا برای امضای برجام با جمهوری اسلامی به

کارگران جهان متحد شوید!

اوضاع سیاسی: احتمال "رژیم چنج" چقدر جدی است؟

کنگره دهم حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست در روزهای ۸ و ۹ اکتبر ۲۰۲۲ در اسکاندیناوی بطور علنی برگزار میشود!

اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست
در محکومیت فشار سیستماتیک رژیم بر فعالین جنبش های اجتماعی

یادداشتها،

علیه سیاست گروگان گیری زندانیان

#سپیده_رشنو، از اعتراف اجباری تا تفهیم اتهام

ستون اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات اجتماعی

تنظیم: سپیده امیر عسگری، آرش کلهر

هو کردن دستجمعی استادیوم آزادی با صدای بلند به سرود سلام فرمانده، شعار

زنده باد وریا غفوری و یاد دختر آبی توسط زنانی که وارد استادیوم شدند



آزادی، برابری، حکومت کارگری!



کردستان، یک فاصله وسیع از تصورات و ذهنیت سال ۵۷ و دنیای محدود اردوگاه داری و زندگی در شکاف های دولتها دارد. بیبرطی این جریانات به مبارزات واقعی و خواستها و نیازهای یک جامعه شهری یک منشا اصلی ذهنیت عقیمانده آنهاست. کسانی که افق دیدشان از رویای ممنوعه تکرار سناریوی یکتی و پارتی در کردستان ایران فراتر نمیرود. برای هر کارگر آگاه و هر انسان آزادیخواه، اتحاد حزب کارفرمایان و بازاریان و مرتجعین مذهبی هدفی جز ضدیت با اهداف آزادیخواهانه طبقه کارگر و مردم آزادیخواه کردستان ندارد.

سردبیر.

۲۶ اوت ۲۰۲۲

در باره وحدت

دو شاخه حزب دمکرات ...

هر قیمتی و امکان اعلام قریب الوقوع یک توافق، کل اپوزیسیون بورژوازی و خط مشی اتکا به آلترناتیو سازی و رژیم چینج و بطور کلی سیاست تغییر رژیم توسط دولت آمریکا و متحدینش را دچار ابهام جدی کرده است. بعبارت دیگر، تا اطلاع ثانوی ناسیونالیسم ایرانی پنتاگون نیست و فاشیست بشمول سلطنت طلبان، ناسیونالیسم قومی فدرالیست و هم کیشان آنها در شورای مدیریت گذار، مجاهدین خلق، فرح دیبا و فرشگرد باید در اتاق انتظار جایگزینی حکومت از بالا با حمایت آمریکا و غرب بمانند. از جانب دیگر سیاست بند و بست و نشست مخفیانه جریانات ناسیونالیسم کرد با عناصر اطلاعاتی و امنیتی جمهوری اسلامی تحت عنوان "مذاکره" شکست خورده و نتیجه ای بجز انزوای سیاسی این نیروها نداشته است. این وضعیت نظر به سیاست پژاک در قبال جمهوری اسلامی مشمول آنها هم میشود. بسته شدن این دو گلوگاه برای مانور، استراتژی ناسیونالیسم کرد و اپوزیسیون راست را تا اطلاع ثانوی دچار بن بست کرده است. اتحاد شاخه های حزب دمکرات تنها خاصیتش برای طرفین اینست که موقعیت حزب دمکرات را در مقابل رقبا تحکیم میکند و امیدی به صفوف پراکنده ناسیونالیسم کرد توسط جریان اصلی آن میبرد.

برای ما اتحاد و انشفاق نیروهای ضد کارگر و ضد جامعه و مشخصا نیروهای طرفدار دستگاه مذهب و آخوندهای سنی و بازاریان و سرمایه داران، موضوعیتی ندارد و در هر حال هر سیاست و عملکرد آنها علیه منافع کارگران و توده های محروم در جامعه است. دو بال حزب دمکرات هیچ اختلاف سیاسی و برنامه ای نداشتند، هر دو فدرالیست اند و هر دو تاریخ و عملکرد مشترک دارند. اختلافات در میان ناسیونالیسم کرد قبل از اینکه سیاسی و استراتژیک و حتی در مواردی تاکتیکی باشد، برسر موقعیت و قدرت و جایگاه است. حتی دوری و نزدیکی به جمهوری اسلامی خصلت ممیزه این دو جناح نیست، دو جناح حزب دمکرات همواره در نزدیکی با رژیم اسلامی و در تقابل و جنگ با آن بوده اند. سیکل معیوب "جنگ، مذاکره، جنگ" همیشه سیاست ناسیونالیسم کرد بوده است. مسئله اینست که لااقل در یکدهه اخیر، بجز برخی حرکت های تبلیغاتی و موقت، به معنی اخص نظامی جنگی هم در جریان نبوده و نیست. لذا عنوان "مذاکره" برای نشست و برخاست با جمهوری اسلامی عنوان بی مثماتی است.

وحدت دو شاخه حزب دمکرات در محوطه محدود ذهنیت اردوگاه داری موثر است و چه بسا موجب تحرکی شود. دو شاخه زحمتکش از آنجا که موقعیت ضعیف تری در قبال حزب دمکرات می یابند، حتما به صرافت وحدت مجدد می افتند و جناح آقای ابراهیم علیزاده را هم مورد فشار خود قرار میدهند. حتی ذهنیت قدیمی بازسازی و "ساق کردن کومله و دمکرات" برای فردا با هدف طرف حساب بودن در کردستان و کنترل صحنه سیاسی قوام میگیرد. مشکل اینست که جامعه ایران و

Workers, Rise Up Against The Capitalist War!

Not To War, Not To Austerity!

حکمتیت
حزب کمونست کارگری ایران - Hekmatist
Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

مرگ بر جمهوری اسلامی!

اوضاع سیاسی:

احتمال "رژیم چنج" چقدر جدی است؟

(گفتگو با رحمان حسین زاده)

سعید آرمان: اوضاع سیاسی ایران پرتحول است. اخیراً تحرك اپوزیسیون راست پروغری هم بیشتر شده است. اینها به آمریکا و دولتهای غربی متکی اند. در این رابطه پروژه "رژیم چنج" را چقدر محتمل و جدی میدانید؟

رحمان حسین زاده: پروژه "رژیم چنج" در فرمتی که آمریکا و بریتانیا و ناتو در دوره بعد از فروپاشی بلوک شرق در عراق و افغانستان و لیبی و بعضی جاهای دیگر با لشکرکشی و اشغالگری برای تغییر رژیمهای صدام و طالبان و قذافی و غیره به دست گرفتند، به نظرم در پروسه تحولات سیاسی سرزنده و مبارزاتی جاری در ایران جدی نیست. شاید لازمست تعریفمان را از "رژیم چنج" مشخص کنیم. از نظرم هر جابجایی قدرت از بالا و دست به دست شدن قدرت بین جناحهای مختلف بورژوازی و از جمله با حمایت قدرتهای بزرگ و دولت آمریکا و متحدینش را نمیتوان "رژیم چنج" نامید. در دوره بعد از جنگ جهانی دوم، ما شاهد انواع فروپاشی دولتها و قدرت گیری جناحهای دیگری از بورژوازی با حمایت غرب و یا کودتاها و یا انقلابات مخملی بودیم، هر یک از این موارد شکل خاصی از تحرك ارتجاعی از بالای سر مردم بودند، اما رژیم چنج نامیده نشدند. در سال ۵۷ به دلایلی که بارها در مورد آن گفتیم و نوشتیم، جابجایی قدرت از سلطنت به جمهوری اسلامی شیفتم کرد، اما واضح است، نمیتوان این واقعه را در کاتگوری رژیم چنج دسته بندی کرد. حتی جابجایی قدرت یکدهه قبل در تونس و مصر از جناحی به جناح دیگر از بورژوازی در آن کشورها را نمیشود با پروژه رژیم چنج توضیح داد.

پروژه ضد مردمی "رژیم چنج" را دولت آمریکای متکی به ناتو به دنبال فروپاشی بلوک شرق به عنوان اهرم تحمیل تک ابرقدرتی خود بر جهان و تحکیم "نظم نوین جهانی" مورد نظرش به دست گرفت. پروژه ای متکی به لشکرکشی مستقیم ارتش آمریکا و بریتانیا و ناتو و دولتهای غربی و اشغالگری و به بازی گرفتن ارتجاعی ترین نیروهای قومی مذهبی سناریو سیاهی در کشور مورد هجوم. سه نمونه مهم و شاخص رژیم چنج را در عراق و افغانستان و لیبی دیدیم. یعنی در کشورهایی که شاهد ابراز وجود جنبش کارگری و جنبشهای اجتماعی رادیکال حق طلب و جنبش سرنگونی از بطن جامعه نبودیم. سالها حاکمیت فاشیستی و استبداد خشن، رژیمهای صدام و قذافی و جانورانی مثل طالبان در این کشورها به راستی جامعه را تماماً کوبیده و شاهد جنبش کارگری و جنبشهای حق طلب و سرزنده مبارزاتی نبودیم. در این فضای بی تحرکی سیاسی از پایین و استیصال تحمیل شده به مردم، پروژه فوق ارتجاعی "رژیم چنج" زمینه پیدا میکند.

در جامعه ایران فضای سیاسی کاملاً برعکس این جوامع است. کسی در این تردید ندارد که جنبش کارگری و جنبشهای اعتراضی رادیکال و جنبش سرنگونی بزرگی در مقابل جمهوری اسلامی قدام کرده است.

جنب و جوش سرزنده مبارزاتی از اعماق جامعه برای تعیین تکلیف با جمهوری اسلامی در جریان است. این پدیده نه تنها کابوس سران جمهوری اسلامی، بلکه نگران کننده برای اپوزیسیون بورژوازی و آمریکا و دولتهای کاپیتالیست غربی است. به نظرم یکی از فاکتورهای که هنوز و فعلاً آمریکا و غرب در پروژه برجام دنبال سازش با

جمهوری اسلامی اند و نه فعال کردن آبشههای نوع "انقلاب مخملی" و یا "رژیم چنجی و سناریو سیاهی" و "کودتایی" ترس آنها از قیام برخاستگان حق طلب و آزادیخواه از پایین جامعه ایران است. آنها فعلاً سازش با جمهوری اسلامی به قول خودشان "کنترل شده" را بر هر تحولی که به قدامت جنبش سرنگونی متکی به اراده کارگر و مردم منجر شود، ترجیح میدهند. اینکه علیرغم در یوزگی اپوزیسیون بورژوازی ایران در بارگاه آمریکا و متحدانش، هنوز آمریکا و غرب بی اما و اگر از آنها حمایت نمی کنند، در همین تناقضات ریشه دارد.

فاکتور دیگر این مسئله است که پروژه "رژیم چنج" در عراق و افغانستان و لیبی و سوریه و به طور کلی "طرح نظم نوین جهانی" اوایل دهه نود قرن بیستم متکی به آشن "رژیم چنج" آمریکا شکست خورده است. در عراق و افغانستان به هزیمت افتادند. در این سالها بارها سخنگویان و ایدئولوگهای هیئت حاکمه آمریکا اعلام کرده اند، اقدام دولتهای متبوعشان در این دو کشور اشتباه بوده و بعید است توانایی و یا قصد تکرار گزینه نظامی و اشغالگری متکی گسیل ارتش آمریکا و ناتو و مسلح کردن جریانات فرقه ای قومی مذهبی در جامعه ای با مشخصات سیاسی و مبارزاتی مثل ایران را داشته باشند. دوباره تاکید میکنم اجرای پروژه "رژیم چنج" یکی از احتمالات بسیار ضعیف و در ته جدول دیگر احتمالات است. با این وجود هیئت حاکمه آمریکا و متحدانش، در قبال آینده تحولات ایران دست روی دست نمیگذارند، همه تخم مرغهای خود را در سبد برجام و سازش با جمهوری اسلامی نمیگذارند. به ترفندها و پروژه های دیگر ضد مردمی متکی به اپوزیسیون بورژوازی هم فکر کرده اند، که در موقع لازم در مقابل مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران قرار دهند. اتفاقاً تکیه یکجانبه روی پروژه "رژیم چنج" این مشکل را دارد که به دیگر ابعاد ابراز وجود و نقشه های اپوزیسیون بورژوازی پروغری ایران به مثابه جنبش اجتماعی بورژوازی نقطه مقابل جنبش کارگری و جنبش آزادیخواهانه مردم ایران توجه نکنیم. در نتیجه آمادگی سیاسی و عملی خنثی کردن نقشه های نگران کننده تر آنها را نداشته باشیم. لذا در برخورد به جست و خیز اپوزیسیون بورژوازی و نقشه های آمریکا و غرب در قبال تحولات ایران، کل تصویر را باید دید و هر بار فوکوس را جای درستی گذاشت.

در همین رابطه به یک نکته متدیک و مهم برخورد کمونیستی به تحولات سیاسی باید دقت کرد. من فکر میکنم برای یک نیروی سیاسی دخالت گر، به عنوان نیروی فعاله رادیکال و کمونیست، نباید فوکوس را بر تفسیر و بررسی احتمالات گذاشت، بلکه لازم است، فوکوس را بر شناخت روندهای بنیادی و واقعی تحولات سیاسی گذاشت. بر آن اساس خط مشی فعال و دخالتگر را تعیین کرد. در پرتو چنین نگرش و چشم اندازی البته تحلیل و بررسی احتمالات هم ضروری است

اوضاع سیاسی:

احتمال "رژیم چنج" چقدر جدی است؟ ...

و برای برخورد درست به احتمالات باید آمادگی داشت.

سعید آرمان: به روندهای واقعی و نه تفسیر احتمالات اشاره کردی، از نظر شما روندهای واقعی تحولات سیاسی در ایران کدامند؟

رحمان حسین زاده: روندهای واقعی و جدی در صحنه سیاسی ایران چند وجه دارد. **الف:** روند تضعیف و سوق یافتن جمهوری اسلامی در مسیر سرنگونی. واقعه ای که همه از رفتی بودن جمهوری اسلامی صحبت میکنند. **ب:** روند عرض اندام جنبشهای اجتماعی و سیاسی چپ و راست در مسیر سرنگونی و انداختن جمهوری اسلامی. ما صحنه سیاسی جامعه را قبل از هر چیز و هر احتمالی صحنه تقابل جنبشهای اجتماعی و سیاسی میدانیم. در این چهار چوب روند در صحنه بودن دو آلترناتیو سیاسی اجتماعی متفاوت و حتی متقابل در پروسه سرنگونی جمهوری اسلامی و مدعی گرفتن قدرت سیاسی بعد از ساقط شدن رژیم اسلامی فاکتور تعیین کننده ای است. براین اساس:

ج- روند قد علم کردن آلترناتیو کارگری و کمونیستی برای انداختن جمهوری اسلامی و طبعاً به دست گرفتن قدرت سیاسی بعد از جمهوری اسلامی برای ما مسئله محوری است.

د- روند در صحنه بودن آلترناتیو ناسیونالیسم بورژوازی پروغرب، که شاخه های مختلفی از جریانات بورژوازی، به ویژه دو ترند مشروطه طلبی و جمهوریخواهی پروغرب را در خود گرد آورده، باید دید. اینها آن روندهای واقعی شکل دهنده اکنون و آینده تحولات سیاسی ایران هستند.

سعید آرمان: از برجسته شدن دو آلترناتیو راست و چپ در مقابل جمهوری اسلامی صحبت شد. در یک تصویر عمومی موقعیت این دو آلترناتیو را چگونه می بینید؟

رحمان حسین زاده: بررسی کاملتر موقعیت و امکانات و آینده این دو آلترناتیو در جدال قدرت سیاسی به فرصت بیشتری نیاز دارد. قبلاً هم به آن پرداختیم. در چهارچوب وقت مصاحبه امروز خیلی فشرده به نکاتی اشاره میکنم.

۱- آلترناتیو کارگری و کمونیستی و از این بیعد به اختصار آلترناتیو چپ و رادیکال، جنبش و آلترناتیوی است که علاوه بر سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی متکی به اراده کارگر و مردم آزادیخواه، همزمان و در عین حال پایان دادن به حاکمیت سرمایه داری را خواهان است. از نظر آلترناتیو ما ساقط کردن جمهوری اسلامی و سرمایه داری یک پدیده واحد و با سازماندهی انقلاب کارگری و قدرت گیری کارگری و شورایی می خواهیم نظم سیاسی تامین کننده آزادی و برابری و رفاه همگانی ایجاد شود. به استنمار انسان به دست انسان پایان داده شود. جنبش کارگری نیروی اول و اصلی آلترناتیو چپ و البته در همبستگی فشرده با دیگر جنبشهای اجتماعی رادیکال، همچون جنبش فرهنگیان و معلمان و بازنشستگان و جنبش آزادی و رهایی زن، جنبش رادیکال نسل جوان و خیزشهای اعتراضی و توده ای برخاسته از اعماق جامعه

میخواهیم این هدف بزرگ متحقق شود. نقطه قدرت اصلی این آلترناتیو، کل پتانسیل و نیروی اجتماعی طبقه کارگر و جنبشهای اجتماعی رادیکال و تحرک مبارزاتی کارگری و توده ای در طول عمر جمهوری اسلامی و به ویژه در سالهای اخیر است. به علاوه خواسته ها و شعارهای برحق و علیه حاکمیت سرمایه داری، علیه تبعیض و ستم و استنمار و علیه فقر و گرانی و علیه جمهوری اسلامی و به روشنی تعقیب آینده ای که در آن آزادی و برابری و رفاه و سعادت انسانها تامین شود، بخش لاینفک کاراکتر این آلترناتیو است. به نظرم آلترناتیو چپ و کمونیستی درس گفته از تحولات سال ۵۷ خودآگاهتر و پرتوقعتر از هر زمانی آماده ایفای نقش مهم در تحولات سیاسی آینده ایران است. اما این آلترناتیو هنوز با محدودیتهای جدی هم روبرو است. قبل از هر چیز استبداد و اختناق شدید جمهوری اسلامی و سرکوبگری آن مانع مهم به کار افتادن کل پتانسیل این آلترناتیو است. در چنین شرایطی هنوز با خلاء رهبری رادیکال و کمونیستی متحد کننده و سراسری روبرو هستیم و به علاوه متکی شدن به سازمان توده ای و متحد کننده سراسری در جنبش کارگری و یا دیگر جنبشهای اجتماعی رادیکال در صحنه کمبود اساسی دیگر است. طبعاً نبردکنان و در بطن اعتراضات کارگری و توده ای ایندوره لازمست و میتوانیم بر این کمبودهای اساسی فایق آییم، به شرطی که بر کم اعتماد بنفسی و "جونوریسم مزمن" موجود در سطح آلترناتیو رادیکال و کمونیستی فایق آییم. تحولات جاری در ایران بار دیگر یک فرصت مهم را به روی طبقه کارگر و کمونیسم در ایران گشوده، تا با تعیین تکلیف قطعی با حکومت سرمایه و جمهوری اسلامی، دولت کارگری و شورایی پایه گذاشته شود و تحول سرنوشت ساز را ممکن کند.

۲- آلترناتیو بورژوازی پرو غرب، نیروی مقابل آلترناتیو کارگری و کمونیستی در جدال قدرت سیاسی است. اینها جابجایی قدرت از بالا و متکی به حمایت آمریکا و غرب و دولتهای مرتجع منطقه را تعقیب میکنند. با کنار گذاشتن خامنه ای و لایه هایی از کاربدستان اصلی سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی و به قول رضا پهلوی اتکا به ارتش و سپاه و نیروهای نظامی و انتظامی و همبستگی با اسلام و مذهب و ایل و عشایر به دنبال جایگزین کردن نوع دیگر حکومت کاپیتالیستی اساساً متکی به ناسیونالیسم ایرانی در مقابل جمهوری اسلامی اند. مشروطه خواهان و جمهوریخواهان بیعت کرده با رضا پهلوی اسکلت اصلی این جریان را شکل میدهد. این آلترناتیو از جنبش مشروطه تا بحال بخش لاینفک بورژوازی ایران است. دوران زیادی بنام سلطنت در قدرت بوده اند و همین سابقه بخشاً نقطه ضعف شان است. رابطه در هم تنیده ای با آمریکا و دیگر دولتهای بورژوازی غرب دارند. میتوانند از حمایت آنها بهره مند شوند و بویژه از الگوی اقتصاد بازار آزادی و مورد تأیید بانک جهانی و موسسات اقتصادی غرب پیروی میکنند. دارای امکانات مالی و رسانه ای جدی هستند. اینها دنبال احیای حاکمیت کاپیتالیستی متکی به کار ارزان و لاجرم استبداد مشابه دوره سلطنت هستند. اما پاشنه آشیل آنها بی ربطی جدی شان به جنبش رادیکال و اعتراضی صحنه سیاسی کنونی جامعه ایران است. پتانسیل و توقعات و خواسته های رادیکال کارگران و مردم درست نقطه مقابل اهدافی است که آنها برای آینده در نظر دارند. این بزرگترین نقطه ضعف آنها و شانس آنها را در جدال قدرت سیاسی با آلترناتیو چپ به شدت کاهش میدهد.

بر این دو آلترناتیو و آینده آنها بیشتر باید فوکوس کرد و در فرصت دیگری به آن بر میگردیم.*



اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در محکومیت فشار سیستماتیک رژیم بر فعالین جنبش های اجتماعی

اعتراضات و اعتصابات، بیانگر این واقعیت است که پتانسیل و نیروی زمین گیر کردن و درهم شکستن ماشین سرکوب رژیم جمهوری اسلامی وجود دارد. فقر و فلاکت اقتصادی به مرز غیر قابل تحملی رسیده و راهی برای عقب نشینی برای کارگران و توده های فرودست جامعه باقی نمانده است.

در این شرایط متحول فعالین کارگری، پیشروان جنبش های اجتماعی و نیروهای چپ و کمونیست تلاش می کنند از درون این جنبش ها و با اتکا به قدرت جنبش کارگران و زحمتکشان، مبارزه بر علیه استعمار و ستم و سرکوب را افزایش داده و راه را برای سرنگونی انقلابی رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی، شکل گیری دولت کارگری و شورایی و برقراری آزادی و برابری هموار کنند.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست، فشار بر فعالین جنبش های اجتماعی را محکوم و همه آزادی خواهان را به دفاع از دستگیرشدگان فرامی خواند. برای آزادی بی قید و شرط زندانیان سیاسی بپاخیزیم. هیچ کس را نباید به خاطر اظهار عقیده و فعالیت سیاسی اش به زندان انداخت. آزادی عقیده و آزادی در فعالیت سیاسی حق بی چون و چرای هر فرد در جامعه است.

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!
زنده باد آزادی! زنده باد سوسیالیسم!

۳ شهریور ۱۴۰۱ برابر با ۲۵ اوت ۲۰۲۲

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

امضاها: سازمان اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری ایران-حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه
جا ایجاد کنید!

در کارخانه ها و محلات شوراها را برپا کنید!
امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان
حاکمیت!

ماشین سرکوب جمهوری اسلامی کم اثر تر از همیشه در جریان است. رژیم در مقابله با روند رو به گسترش اعتصابات کارگری و جنبش های اعتراضی که موجودیت رژیم را به مخاطره انداخته اند، از تشدید سرکوب، هم به عنوان سیاست و تاکتیکی به منظور جلوگیری از استمرار و پیوستگی این مبارزات و هم به عنوان استراتژی تضمین بقای رژیم استفاده می کند و این سیاست را در دور اخیر با سناریوسازی های رنگ باخته و موجی از احضار و دستگیری فعالین کارگری، فرهنگی، دانشجویی و دیگر فعالین اجتماعی پیش برده است.

در ماه های اخیر دستگاه سرکوب رژیم صدها تن از معلمان مبارز و دیگر فعالان جنبش کارگری، جنبش زنان و دانشجویی و دیگر فعالان جنبش های اجتماعی را بازداشت و روانه زندان کرده است. تعدادی از معلمان و فعالان کارگری شناخته شده هنوز در بازداشت به سر می برند. رسول بدقی، مسعود نیکخواه، جعفر ابراهیمی و محمد حبیبی از اعضای شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران و رضا شهبانی و حسن سعیدی از اعضای شناخته شده سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه و همچنین سپیده قلیان، کیوان مهندی، ریحانه انصاری نژاد و واله زمانی و... از فعالان کارگری، یاشار و کاوه دارالشفای از فعالین دانشجویی، ناهید شقاقی، اکرم نصیریان، مریم محمدی و اسرین درکاله از فعالان حقوق زنان و در شهرهای کردستان هم تعدادی از فعالین سیاسی و اجتماعی احضار و یا به زندان محکوم شده اند.

رژیم در ادامه این سیاست در روزهای اخیر در حالیکه اسکندر لطفی، آینشا اسدالهی، شعبان محمدی و مسعود نیک خواه و... را با وثیقه های سنگین آزاد کرد، همزمان لیلا حسین زاده فعال چپ جنبش دانشجویی را به شیوه ای وحشیانه دوباره دستگیر و ابتدا به زندان اوین و سپس به زندان اطلاعات شیراز منتقل کرد و این درحالی بود که او قبلا به دلیل ابتلا به بیماری خودایمنی که در دوران حبس پیشین به آن مبتلا شده بود به گواهی پزشکی قانونی عدم تحمل کیفر گرفته و آزاد شده بود.

اینها تنها نمونه هائی از بگیر و به بندهای رژیم در ماههای اخیر بوده است. به این لیست میتوان نام دهها نفر را از نقاط مختلف ایران اضافه نمود که نشان می دهد چرا رژیم برای پیش برد این استراتژی و سیاست سرکوبگرانه برجسته ترین مهره جنایتکار خود در کشتار دهه شصت یعنی رئیسی را در رأس قوه مجریه قرار داده است.

اما استراتژی سرکوب رژیم توان جلوگیری از موج اعتصابات کارگران، اعتراضات سراسری معلمان، مبارزات مستمر بازنشستگان و سایر جنبش های اعتراضی در نقاط مختلف ایران را ندارد و رژیم را در بکارگیری ابزار سرکوب دست به عصا کرده است. استمرار

برابری بیقید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی!

یادداشتها،

سیاوش دانشور

علیه سیاست گروگان گیری زندانیان

سیاست سرکوب چند هدف دارد: ایجاد ارباب و دست به اعضا شدن، ترساندن بخشهای محافظه کار و انزوای بخشهای رادیکال. نمایش قدرت در سطح جامعه، پایین آوردن توقعات و عقب راندن صفوف جنبش اعتراضی. ایجاد سکوت نسبی و نهایتا کانالیزه کردن اعتراض به چهارچوبهای قانونی و میدان دادن به انتقادات درون حکومتی و خانوادگی.

صحنه ای که بارها تکرار شده و ما برای آن جشن پیروزی گرفتیم اینست که تعدادی از اسرای جنبشهای اعتراضی را بعد از مدتی بیخبری موقتا با وثیقه سنگین آزاد می کنند تا در فرصت بعدی و در وقت مناسب به دادگاه و زندان بکشاند. ما در هر مورد تبریک میگوییم و بعضا جشن می گیریم که بالاخره حکومت ناچار شد همکاران و رفقای ما را «آزاد» کند. اما هیچ آزادی در کار نیست این توقع ماست که عقب رفته است. ما هنوز پرونده های زندانیان دیمه نود و شش، آبان نود و هشت، اعتصاب کارگران آذربایجان و چادرملو و هفت تپه و فولاد و غیره را ورق میزنیم. این روزها بعد از اعتراضات گسترده و چند ماه بازجویی و سناریوسازی تعدادی از معلمان عزیز را موقتا آزاد کردند. شادی ما برای اینست که نیروهای امنیتی رژیم علیرغم تمام تلاشها به هدف خود نرسیدند و معلمان با روحیه بالا از خواستههایشان دفاع میکنند. اما اینها هنوز گروگان هستند، اسرایی که موقتا و با قید وثیقه آزاد شدند. اصلا بیهوده دستگیر شدند.

همزمان با هر آزادی موقت تعدادی از زندانیان مانند آینشا اسداللهی، مسعود نیکخواه و شعبان محمدی، عده دیگری را بازداشت و زندانی می کنند. بازداشت وحشیانه و شکنجه شدید سپیده رشنو، بازداشت لایلا حسین زاده که بیمار است و نباید در زندان باشد، احضار اکرم نصیریان، ناهید شقاقی، مریم محمدی، اسرین درکاله، احضار و بازداشت عسل محمدی که در زندان همراه با ثمین احسانی کرونا گرفته، تهاجم وحشیانه به منزل هیراد پیربدایی و بازداشت وی، محاکمه بازنشستگانی چون ناصر سعیدآوی، محمد زمان کامروا و مراد ظهرابی از این جمله اند. بازداشت گسترده کارگران و فعالین کارگری از رضا شهابی و حسن سعیدی و واله زمانی و دیگران را اضافه کنید. تعداد زیادی که منتظر دادگاه هستند و زیر فشارهای وثیقه را هم حساب کنید.

این سیاست حکومت یعنی همیشه ما تعدادی زیادی اسیر داریم و علیرغم هر آزادی معدودی زیر فشار سیاسی باید دنبال تعداد بسیار بیشتری زندانی و گروگان گرفته شده باشیم. یعنی مجموعا حکومت شرایط بمراتب سخت تری را تحمیل کرده است. شرایطی که هدفش کنترل

اوضاع و تحمیل سکوت است. این معادله و این بین بست را باید بشکنیم و توقعات را بالا ببریم.

راه اینست که چهارچوب سیاست حکومت را نپذیریم و با اعمال فشار موثرتری از همه زندانیان حمایت کنیم. علیه سیاست گروگان گیری و وثیقه های سنگین و پرونده سازی سیاست فعالتری

داشته باشیم. نفس وجود زندانی سیاسی را برجسته کنیم و خواست آزادی زندانیان سیاسی را به صدر برانیم. چهارچوب مبارزه برای آزادی اسرایمان را از صنف مشخص «خانواده های داخواهان»، «زندانیان کارگری»، «زندانیان معلمان»، «زندانیان دانشجویان»، «زندانیان بازنشستگان» و غیره بیرون بکشیم و بمثابة زندانیان سیاسی آنها را لیست کنیم. نکته بعدی اینست که خواست آزادی بی قید و بی وثیقه زندانیان را طرح و برای آن فشار بیاوریم. گروکشی مالی هدفی جز ایجاد تنگناهای مشخص برای منفعل کردن و سکوت ندارد. این همبستگی بویژه ضروری است در داخل زندانها نیز قالب تاکتونی را بشکند.

جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی برای نفی کامل حکومت اسلامی مبارزه میکند، هیچ حکم حکومت و دادگاه هایش را برسمیت نمی شناسد و اصولا براین باور است که حکومت اسلامی صلاحیت دستگیری و محاکمه هیچکسی را ندارد. خواست ما آزادی کلیه زندانیان سیاسی، لغو جرم سیاسی و برچیدن زندانهای سیاسی است. این سیاست تلاش همه کسانی را می طلبد که برای درهم شکستن اختناق و سیاست سرکوب تلاش می کنند.

#زندانی_سیاسی_آزاد_باید_گردد!
۲۲ اوت ۲۰۲۲

#سپیده_رشنو

از اعتراف اجباری تا تفهیم اتهام

بدنبال فشارهای جامعه برای بیخبری از سپیده رشنو، خبر «تفهیم اتهام» وی منتشر شد. ماجرای داخل اتوبوس بی ارتی در کارخانه شکنجه و سناریوسازی به کیفر خواستی با اتهام «اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور»!!! و تلاش برای اشاعه «فساد و فحشا»!!!! تبدیل شده است.

هیچ کسی مانند بازجویان و شکنجه گران باهوش نمیتوانند زمین و زمان را به هم بدوزند. این اتهامات حاضر و آماده و نخ نما، تنها آتش نفرت عمومی از حکومت را شعله ورتر می کند. اینها اتهام سپیده نیستند بلکه چماق اطلاعات حکومت علیه زنان مبارز است، علیه ۲۰ میلیون سپیده است. ببینیم سپیده کجا «اجتماع» کرد؟ در اتوبوس بی ار

صفحه ۷

اساس سوسیالیسم انسان است!

یادداشتها ...

سازی مثل روز روشن است. مجریان و مبلغان و سازماندهندگان فساد و فحشا به زنان و مردان آزادیخواه اتهام فساد و فحشا می زنند و با شکنجه اعتراف آنرا می گیرند. در یک کلام هدف از این همه بزن و بکوب و شکنجه و سناریو سازی و تبلیغات مضحک اینست که بگویند امنیت کشور به حجاب بند است و ناامنی کشور به بی حجابی و همین یعنی فساد و فحشا!

این مسخره بازی عمر زیادی ندارد و در مورد داستان قربانیان اعترافات اجباری خیلی وقت است که به ضد خودش بدل شده است. اینکه حکومت ناچار به تکرار آنست تنها منعکس کننده این واقعیت است که جز زبان سرکوب و اتکا به سرکوب تکیه گاه دیگری ندارند. در پس این نمایش قدرتمندی توخالی و مشمنز کننده، وحشت از پتانسیل عظیم اعتراضی سپیده ها نهفته است که «قصد» ندارند حجاب اسلامی و حکومت آپارتاید جنسی را تحمل کنند و انکار آنند.

بگذارید ما هم به جمهوری اسلامی تا روز دادگاه های علنی سران حکومت بطور سمبولیک تفهیم اتهام کنیم: خیالتان راحت باشد، اگر بر سر هر چهارراه و میدان یک سپیده را از چوبه های دار برای عبرت آویزان کنید، حریف زنان و عزمشان برای نفی حجاب و تبعیض براساس جنسیت نمیشود. اما ما شما را بجرم عقایدتان دادگاهی و محاکمه نمیکنیم بلکه شما را به جرم تجاوز و تعدی و شکنجه و قتل نفس زنان و مردان در طول بیش از چهار دهه حکومت آپارتاید و استعمار و استبداد محاکمه و محکوم میکنیم!

۲۱ اوت ۲۰۲۲

تی؟ مگر مسافران باهم قرار گذاشتند که بریم توی اتوبوس «اجتماع و تباتی» کنیم؟ وانگهی اجتماع کردن که طبق قانون تان حق مردم است. بعد از اجتماع و تباتی میرسیم به «قصد» ارتکاب جرم علیه امنیت کشور! اجتماع که نبوده، از چیزی که نبوده ذهن ما را میخوانند که «قصد» کاری علیه امنیت کشور داشتیم و همان قصد سند پرونده است. به کدام «جرم»؟ نداشتن حجاب یا افتادن روسری در گرمای اتوبوس بی ار تی در تابستان تهران. یعنی «امنیت» ما به بود و نبود حجاب بند است! یعنی نیروی انتظامی که یک خانم بازداشتی را از ماشین در حال حرکت به خیابان پرت میکند کارش تامین امنیت کشور است و نداشتن حجاب علیه امنیت کشور! همه چیز وارونه است، درست مثل نظام ارتجاعی شان، فاسدها به شما میگویند فاسد و قاتل ها میشوند مجریان امنیت!

این دستگاه حفظ «امنیت»، باشرف ترین آدمها را به «تلاش برای اشاعه فساد و فحشا» متهم میکند در حالی که فساد در هر گوشه مملکت و از سر تا بن حکومت بیداد می کند. ثروتهای یک جامعه را غلقتی قورت داده اند و هر روز دهها میلیارد مثل یک سکه «گم» میشود. کسانی که رسماً و قانوناً تحت عنوان صیغه شبکه های فحشا را در پناه قانون اسلام سازمان داده اند، کسانی که مفتخرند که عملکردشان سن تن فروشی را به کودکان رسانده است، غلط می میکنند به زنان مبارز و سپیده ها انگ «اشاعه فساد و فحشا» میزنند. اینجا هم وارونگی و دروغگویی و پرونده

علیه حکومت، علیه سیاست تفرقه میان مردم

۱- مسئول مستقیم فجایع محیط زیستی، کمبود آب آشامیدنی و نیازهای اولیه کار و زندگی مردم، نظام حاکم است. صدایمان را علیه حکومت و سیاستهایش بلند کنیم.

۲- مسئله آب معضلی کشوری و حاصل سیاستهای ویرانگر و سودمحور است. کلیه ساکنین ایران در شهر و روستا، حق دارند به آب شرب سالم دسترسی داشته باشند و دولت موظف به تامین آنست.

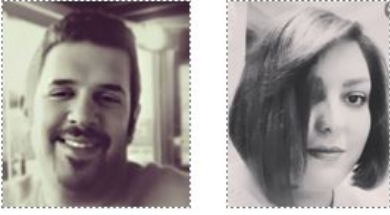
۳- سیاست رژیم و مرتجعین محلی ایجاد تقابل و تفرقه بین مردم در شهرهای مختلف است. کشمکش "بختیاری با اصفهانی" کاذب و دروغین و ساخته نیروهای امنیتی است. هشیار باشید.

۴- صف تان را از صف نیروهای حکومتی و سخنگویان باندهای سرمایه دار جدا کنید. بر همبستگی مردم در سراسر کشور برای آزادی و برابری و رفاه همگانی تاکید کنید.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۴ آذر ۱۴۰۰

نه به حجاب اسلامی!



ستون اخبار کارگری و حرکتهای اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر

اعتصاب کارگران پتروشیمی بوشهر

کارگران پروژه‌های شرکت کیان نصب شاغل در پتروشیمی بوشهر روز چهارشنبه ۲۶ مردادماه دست به اعتصاب زدند. اعتراض این کارگران به عدم پرداخت دستمزدهای‌شان از خردادماه تاکنون است.

تجمع اعتراضی کارگران تولی پرس

کارگران تولی پرس در تجمع روز ۳۱ مرداد ماه در محوطه داخلی محل کار خود، مهمترین خواسته خود را «تعیین تکلیف کارخانه» و «وضعیت شغلی» عنوان کردند و افزودند: از ابتدای سال جاری با کمبود مواد اولیه، تولید در کارخانه به حداقل کاهش یافته و مطالبات مزدی و بیمه‌ای کارگران سه تا چهارماه معوق شده است.

اعتراض کارگران کارخانه روغن نباتی زنجان به ممانعت از حضور در کارخانه

صبح روز سه‌شنبه یکم شهریور ماه مدیران کارخانه به دلیل کمبود منابع مالی از ورود حدود ۶۰ نفر از مجموع ۸۵ کارگر کارخانه به محل کارشان جلوگیری کردند. یکی از کارگران با بیان اینکه میانگین سابق فعالیت بعضی از کارگران بیکار شده به ۱۵ سال می‌رسد، اظهار کرد: در حالی با اتمام قرارداد یک ماهه اخراج شده‌ایم که علیرغم مطالبات چهارماهه سال جاری، هنوز موفق به دریافت مطالبات قدیمی سالهای ۹۳ تا ۹۷ خود نشده‌ایم. کارفرما اعتنایی به درخواست کارگران برای بازگشت به کار ندارد و می‌گوید برای کاهش هزینه‌های کارخانه ناچار به تعدیل این تعداد نیروی شده است. این کارگران روز چهارشنبه دوم شهریور ماه نیز با طرح شکایتی در اداره کار زنجان، پیگیر مطالبات صنفی، بازگشت به کار و برقراری مقرری بیمه بیکاری خود شدند.

دومین روز از اعتصاب کارگران شرکت ستاره تراز

روز سه‌شنبه اول شهریورماه ۱۴۰۱، کارگران پروژه‌های شرکت ستاره تراز شاغل در شرکت پتروشیمی بوشهر سایت یک واقع در عسلویه در اعتراض به عدم پرداخت چند ماه دستمزد معوقه برای دومین روز متوالی دست از کار کشیده و اعتصاب کردند.

تجمع کارگران کارخانه روغن نباتی نرگس شیراز

روز سه‌شنبه اول شهریور کارگران و بازنشستگان کارخانه روغن نباتی نرگس شیراز بار دیگر به دلیل عدم تولید این کارخانه در محل این کارخانه تجمع کردند و خواهان حل مشکلات خود از سوی مسئولان شدند.

اعتراض کارگران کشت و صنعت کارون به نحوه اجرای همسان

سازی حقوق

صبح روز چهارشنبه دوم شهریور ماه تعدادی از کارگران مجتمع کشت و صنعت کارون به نحوه اجرای همسان‌سازی حقوق اعتراض کردند. یکی از کارگران گفت کشت و صنعت کارون به دلیل افزایش قیمت شکر در وضعیت خوب مالی به سر می‌برد با این حال دلیلی وجود ندارد که به دلیل کمبود منابع مالی از پرداخت کامل رقم همسان‌سازی حقوق به کارگران خودداری شود.

تجمع اعتراضی آتش‌نشانان کرج

روز چهارشنبه دوم شهریور ۱۴۰۱ نیروهای آتش‌نشانی کرج در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی و عدم رسیدگی به مشکلاتشان مقابل ساختمان مرکزی شهرداری کرج دست به تجمع زدند.

تجمع اعتراضی بازنشستگان فولاد

روز یکشنبه ۳۰ مردادماه بازنشستگان فولاد و معادن مقابل صندوق با مطالبه عدالت در نظام پرداخت حقوق و پرداخت معوقات ۱۸ ماهه در اصفهان تجمع اعتراضی برگزار کردند.

تجمع اعتراضی بازنشستگان بانک تجارت

روز دوشنبه ۳۱ مرداد ۱۴۰۱ بازنشستگان بانک تجارت در ساختمان مرکزی بانک تجارت تهران با شعار «تا حق خود نگیریم از پا نمی‌نشینیم» دست به تجمع زدند.

تجمع کارورزان پزشکی در اعتراض به وعده‌های مسئولان

شماری از کارورزان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اهواز، روز سه‌شنبه یکم مرداد ماه، اقدام به برپایی تجمع اعتراضی کردند. معترضان با در دست داشتن کاغذ نوشته‌هایی نسبت به سوءمدیریت دانشگاه علوم پزشکی اهواز و عدم وجود برنامه مدون جهت ساماندهی وضعیت کارورزان اعتراض کردند. کارورزان سایر نقاط کشور نیز پیشتر با برپایی تجمعات در خصوص عدم پرداخت معوقات حقوق، عدم پرداخت حق کووید و پاداش و همچنین عدم وجود برنامه آموزشی مناسب برای آنها اعتراض کرده و خواهان رسیدگی مسئولان به مطالبات شغلی و معیشتی خود شده بودند.

مرگ یک کارگر ساختمانی مریوانی در کردستان عراق

صبح امروز سه‌شنبه اول شهریورماه ۱۴۰۱، یک کارگر ساختمانی به اسم برزان یوسفی اهل روستای دگاکا از توابع شهرستان مریوان و دارای یک فرزند به دلیل حادثه کار (سقوط از ارتفاع) در کردستان عراق جان خود را از دست داده است. کارگران ساختمانی زیادی از شهرهای مختلف کشور و بخصوص در استان کردستان بخاطر بیکاری و

ستون اخبار کارگری

و حرکتهای اعتراضی ...

در جستجوی شغل، ناچار به مهاجرت به کردستان عراق یا کشورهای همسایه می‌شوند و بدون هیچگونه امنیت شغلی و جانی و شمولیت از بیمه به کار مشغول می‌گردند.

کشته و زخمی شدن ۲ شهروند سوخت بر اثر تیراندازی نیروی انتظامی

روز جمعه ۲۸ مرداد ماه ۱۴۰۱، بر اثر تیراندازی نیروی انتظامی به سمت یک خودرو سایپا وانت سوخت بر در محور پهره که منجر به انفجار خودرو و کشته شده یک سوخت بر و زخمی شدن یک تن دیگر شد. از هویت شهروند کشته و زخمی شده تا لحظه تنظیم این خبر اطلاعی در دست نیست. نیروی انتظامی در محور پهره محدوده روستای سرکهوران به یک خودرو سوخت بر در حال حرکت بدون اخطار و ایست قبلی شلیک کردند که خودرو دچار انفجار شد و راننده سوخت بر کاملاً در آتش سوخت و کمک راننده به شدت دچار سوختگی و تیر خوردگی شده است.

جانباختن یک کولبر جوان در مرز بانه

یک کولبر جوان در مرز بانه با شلیک مستقیم نیروهای مرزبانی جانباخت. شامگاه جمعه ۲۸ مرداد ۱۴۰۱ نیروهای هنگ مرزی در مرز "هنگژال"، بانه به سمت دسته ای از کولبران آتش گشودند که در نتیجه آن یک کولبر جوان با هویت "رحیم محمدی" ۳۷ ساله و اهل روستای هورازه بانه با شلیک مستقیم جانباخت. لازم به ذکر است که در ۴۸ ساعت گذشته نیز ۲ کولبر با هویت "محمود عثمانی" اهل روستای "جنگسر" از توابع شهرستان سلماس و "آمانج آذرپور" کودک کولبر اهل صاحب از توابع شهرستان سقز در مرز بانه بر اثر انفجار مین به صورت جدا از هم به شدت زخمی شدند.

زخمی شدن یک کودک کولبر در نوار مرزی نوسود

روز سه‌شنبه اول شهریورماه ۱۴۰۱، یک کودک کولبر ۱۶ ساله با شلیک مستقیم نیروهای هنگ مرزی در نوار مرزی نوسود از ناحیه پا به شدت زخمی شده است. هویت این کودک کولبر "فرشاد خالدی" ۱۶ ساله و اهل شهرستان پاوه می‌باشد. پرسنل بیمارستان نوسود حاضر به درمان این نوجوان کولبر نشده‌اند و پزشک در جواب درخواست برای معالجه به این کودک کولبر گفته است: "خوب کولبری نکنید!"

نامه شانزده زن زندانی سیاسی از زندان اوین و اظهار نگرانی از شرایط مبهم حاکم بر زندان ها

چندین هفته است که سوبه جدید کرونا در بند زنان اوین شیوع پیدا کرده و هر روز به تعداد مبتلایان افزوده میشود، با توجه به افزایش ناگهانی و بی‌رویه شمار زندانیان و عدم تناسب تعداد افراد با فضا و امکانات بند و نبود فضای مناسب برای جداسازی و قرنطینه افراد مبتلا و تاخیر جدی در گرفتن تست و عدم مراقب‌های پزشکی لازم، نگرانی نسبت به حفظ

جان و سلامت زندانیان افزایش پیدا کرده است، در مواردی مبتلایان به کرونا به دلیل شلوغی بند و عدم وجود قرنطینه، در داخل بند و در کنار سایر زندانیان، دوران بیماری را طی میکنند. در موارد اخیر نیز دو نفر از افراد مبتلا (عسل محمدی و ثمین احسانی) تمام شب را در اتاقی که فاقد امکانات بوده و بیشتر به یک سلول شباهت دارد نگهداری شده‌اند در حالیکه تمام مدت در به روی آنها قفل بوده و بیماران با وجود ضعف شدید حتی قادر به رساندن خود به شیر آب هم نبوده‌اند. زندانبانان حتی یکبار در طول شب به آنان سر نزده‌اند و در پاسخ به اعتراض بیماران گفته‌اند مگر ما پرستاریم! این اولین بار نیست که بند زنان در اوین و سایر زندان‌ها از جمله قرچک ورامین شاهد این وضعیت بی‌توجهی به شرایط جانی و سلامت زندانیان است. اما آنچه این روزها شرایط را وخیم کرده، افزایش هرروزه آمار زندانیان زن در شرایط کرونا است و این در حالی است که در بند زنان بیماران ریوی و قلب نیز حضور دارند! ۱۴۰۱/۵/۳۰

انتقال سه فعال حوزه زنان به زندان اوین

اسرین درکاله، اکرم نصیریان و مریم محمدی، از فعالان حوزه زنان و اعضای انجمن ندای زنان ایران، صبح روز یکشنبه ۳۰ مردادماه ۱۴۰۱ بازداشت و جهت تحمل حبس به زندان اوین منتقل شدند. این فعالین پس از حضور در دفتر شعبه یک اجرای احکام، با دستور قاضی تاریان بازداشت شدند. اعضای انجمن ندای زنان ایران بیشتر در دادگاه انقلاب به اتهام "اجتماع و تبانی به قصد برهم زدن امنیت ملی" به تحمل دو سال و هفت ماه زندان محکوم شده‌اند.

پیام فعالین ندای زنان ایران هنگام مراجعه به اجرای احکام زندان اوین جهت تحمل حکم ۳۰ ماه حبس برای هر کدام را با هم میبینیم می‌شنویم

#اعلام کارزار

دوستان و همراهان عزیز ندای زنان ایران همانطور که مطلع شدید، روز گذشته ۳۰ مرداد ۱۴۰۱ #اسرین_درکاله #اکرم_نصیریان و #مریم_محمدی سه تن از فعالین حقوق زنان و کودکان در ندای زنان ایران برای سپری کردن حکم حبس سی ماهه خود به زندان اوین منتقل شدند. بیش از سه سال است که دستگاه قضایی آنها را به جرم دفاع از حقوق اولیه انسانی، مخالفت با: حجاب اجباری، قتل‌های ناموسی، ازدواج کودکان و همه ستم‌هایی که سالهاست بر کرده زنان سنگینی می‌کند، تحت پیگرد قرار داده و برای هر کدام ۳۰ ماه حکم زندان صادر کرده است. "ندای زنان ایران"، ندای برابری خواهیست و اسرین_درکاله #اکرم_نصیریان و #مریم_محمدی فریاد رسای برابری خواهی هستند و صدای آنها هرگز خاموش نخواهد شد. ندای زنان ایران اعلام می‌کند، از این پس تا روز آزادی این سه فعال، کارزار مهم خود را درخواست آزادی آنها و لغو کلیه پرونده‌های سیاسی و امنیتی قرار می‌دهد.

#پاسخ_مطالبات_زنان_زندان_نیست

#به_خشونت_علیه_زنان_پایان_دهید

#آزادشان_کنید

ضرب و شتم معصومه عسکری در زندان کجویی کرج

معصومه عسکری، معلم بازنشسته و زندانی سیاسی محبوس در زندان

ستون اخبار کارگری

و حرکتهای اعتراضی ...

اوین منتقل شد. این زندانی سیاسی سابق مبتلا به یک بیماری خودایمنی است و اضطراب ناشی از بازداشت و عدم دسترسی به داروهای مورد نیاز می‌تواند منجر به تشدید بیماری او شود، امری موجب نگرانی خانواده و نزدیکان او شده است.

اسماعیل گرامی به مرخصی آمد

اسماعیل گرامی کارگر بازنشسته پس از ۱۷ ماه زندان، روز سه شنبه اول شهریور ماه ۱۴۰۱ به قید وثیقه‌ی ۵۰۰ میلیون تومانی از زندان اوین به مرخصی آمد.

اسکندر لطفی آزاد شد

#اسکندر_لطفی سخنگوی شورای هماهنگی که از ۱۰ اردیبهشت بازداشت شده بود عصر ۲۶ مرداد به قید وثیقه در میان استقبال پر شور خانواده و کنشگران صنفی آزاد شد.

شعبان محمدی و مسعود نیکخواه از زندان آزاد شدند

روز شنبه ۲۹ مردادماه ۱۴۰۱، شعبان محمدی و مسعود نیکخواه از فعالین صنفی معلمان مریوان با تودیع قرار وثیقه و موقتاً از زندان اوین آزاد شدند. شعبان محمدی و مسعود نیکخواه در جریان بازداشت معلمان و کارگران که به قصد پرونده‌سازی و سناریوسازی‌های واهی وزارت اطلاعات صوت گرفت بازداشت شده بودند.

شاپور احسانی‌راد علیرغم نیاز به تداوم درمان به زندان بازگردانده شد

روز یکشنبه ۳۰ مردادماه شاپور احسانی راد عضو هیأت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران برای تحمل دوران حبس خود به زندان اوین بازگردانده شد. شاپور احسانی‌راد روز ۲۲ فروردین به مرخصی درمانی اعزام شد. در خارج از زندان و پس از انجام آزمایشات متعدد مشخص شد که هر دو چشم او باید مورد جراحی پیوند قرنیه قرار بگیرد. در تاریخ ۱۸ اردیبهشت چشم راست او مورد جراحی قرار گرفت و جراحی چشم چپ او بخاطر هزینه‌های بالا به زمان دیگر موکول شد. در این مدت با تأیید پزشک معالج و پزشک معتمد سازمان پزشکی قانونی تحت مداوا و مراقبت‌های پس از عمل قرار داشت و اکنون نیز بایست یکماه دیگر تحت مراقبت میبود تا پس از آن بخیه‌های چشم خارج می‌گشت اما از طرف شعبه اجرای احکام به زندان فراخوانده شد و مرخصی درمانی‌اش تمدید نگردید. توصیه‌ی پزشکان بر عدم‌بازگرداندن شاپور به زندان بود چون تا قبل از خارج کردن بخیه‌ها امکان عفونت در داخل زندان و با توجه به عدم امکان رعایت مسایل بهداشتی وجود دارد. لازم به ذکر است که طبق ابلاغیه‌ای که برای شاپور احسانی‌راد صادر شده است، روز ۷ شهریورماه نیز قرار است برای پرونده‌سازی جدیدی که در زندان برای او و چند نفر از دیگر زندانیان سیاسی صورت گرفته است در شعبه ۱۰۱ دادگاه عمومی قشاقویه مورد محاکمه قرار گیرد.

دادگاه روح اله (رادا) مردانی

در روز ۳۰ مرداد به اتهام تبلیغ علیه نظام در شعبه

کجویی کرج، توسط زندانیان متهم به جرائم خشن مورد ضرب و شتم قرار گرفت. براساس خبرهای منتشرشده یک منبع مطلع با اعلام این که معصومه عسکری بدون رعایت اصل تفکیک جرائم در زندان کجویی کرج نگهداری می‌شود، گفته: «وی حدود ۴ روز پیش، توسط ۸ تن از زندانیان جرائم خشن، بطور هماهنگ مورد ضرب و شتم قرار گرفت، خانم عسکری از بیماری‌های اعصاب و روان، کلیوی، کبد و دیابت رنج میبرد. لازم به ذکر است که مسئولان زندان از اعزام وی به پزشکی قانونی امتناع می‌کنند.»

احضار آرش گنجی و آرش جوهری زندانی سیاسی به دادرسی اوین

دو زندانی سیاسی محبوس در اوین در پی احضار به دادرسی این زندان با اتهام‌های واهی جدید مواجه شده‌اند. آرش گنجی و آرش جوهری به دنبال انتساب اتهام‌های واهی به آنان از سوی شورای انضباطی زندان مورد تهدید قرار گرفته‌اند. بر اساس گزارش‌های منتشرشده، شورای انضباطی زندان اوین آنها را به قطع تماس تلفنی با خارج از زندان، ممنوعیت از ملاقات با خانواده و انتقال به زندان‌های دیگر تهدید کرده است. آرش گنجی، مترجم و منشی هیات دبیران کانون نویسندگان ایران است که توسط شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب تهران با اتهام‌هایی چون "اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی"، "تبلیغ علیه نظام" و "عضویت و همکاری با گروه‌های مخالف نظام" در مجموع به ۱۱ سال زندان محکوم شده است. آرش جوهری نیز فعال کارگری اهل شهرستان پارس‌آباد است که طی حکمی به ۱۶ سال زندان محکوم شده که ۷ سال و ۶ ماه از این محکومیت درباره او قابل اجرا است.

محاکمه سه نفر از بازنشستگان در دادرسی اهواز

روز شنبه ۲۹ مرداد ۱۴۰۱ سه نفر از بازنشستگان معترض بنام‌های ناصر سعیدآوی، محمد زمان کامروا و مراد ظهرابی به اتهام تبلیغ علیه نظام و اجتماع و تبانی جهت اقدام علیه امنیت ملی از طریق برگزاری تجمعات اعتراضی محاکمه و برای آخرین دفاعیات خود به شعبه سیزده بازپرسی دادرسی اهواز احضار شدند. این سه بازنشسته بیست روز تحت شرایط سخت در بازداشتگاه اطلاعات سپاه بازجویی شده‌اند.

انتقال لیلا حسین‌زاده به بازداشتگاه اداره اطلاعات شیراز

لیلا حسین‌زاده طی تماسی تلفنی با خانواده‌اش از انتقالش به بازداشتگاه اداره اطلاعات شیراز، موسوم به پلاک ۱۰۰ خبر داد. روز سه شنبه ۱ شهریورماه ۱۴۰۱، لیلا حسین‌زاده، فعال صنفی دانشجویی بازداشتی و زندانی سیاسی سابق به بازداشتگاه اداره اطلاعات شیراز، موسوم به پلاک ۱۰۰ منتقل شد. لیلا حسین‌زاده روز شنبه ۲۹ مرداد، توسط نیروهای امنیتی در مقابل منزل شخصی‌اش همراه با ضرب و شتم بازداشت و به بازداشتگاه وزارت اطلاعات موسوم به بند ۲۰۹ زندان

توقف جنگ بیدرنگ! نه به جنگ دولتهای سرمایه داری!

Capitalist poles' hands off people's lives!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیت
Worker-communist Party of Iran - Hekmatist



مجمع عمومی ظرف ابراز وجود مستقیم

و مستمر کارگران است!

مجمع عمومی را آگاهانه و بنا به هر

نیازی برپا کنید!

جنبش مجمع عمومی را

گسترش دهید!

ستون اخبار کارگری و حرکتهای اعتراضی ...

۱۰۱ دادگاه کیفری ۲ شهرستان دلفان محاکمه شد. جلسه رسیدگی با حضور وکلا، آقای مجدعلی کامفیروزی و ارسال لایحه از سوی آقای رامین صفر نیا برگزار شد. درحالی که پیشتر برای این کنشگر صنفی معلمان با همین اتهام در شعبه یک بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان ناحیه ۱ کرج، منع تعقیب صادر شده و قطعیت یافته بود.

جهت اخذ آخرین دفاع؛ سه فعال کارگری به دادسرا احضار شدند

محمد ایران نژاد، مرتضی صیدی و نصرالله امیرلو فعالین کارگری، امروز یکشنبه ۳۰ مرداد ۱۴۰۱، با دریافت ابلاغیه‌ای جهت اخذ آخرین دفاع به دادسرای ناحیه ۳۳ تهران احضار شدند. آنها باید ظرف مدت ۵ روز از زمان درج ابلاغیه در این دادسرا حاضر شوند. از میان آنها محمد ایران نژاد هم اکنون در حال تحمل دوران محکومیت پیشین خود در زندان اوین است. بر اساس این ابلاغیه، محمد ایران نژاد، مرتضی صیدی و نصرالله امیرلو جهت اخذ آخرین دفاع در خصوص اتهام "تشکیل گروه به قصد بر هم زدن امنیت کشور" به دادسرای ناحیه ۳۳ تهران احضار شدند. از میان آنها محمد ایران نژاد در پرونده پیشین خود به ۳ سال و ۵ ماه حبس تعزیری محکوم شد که با اعمال ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی، مجازات اشد یعنی ۲ سال و ۹ ماه زندان برای وی قابل اجراء است. او جهت تحمل دوران محکومیت خود در تاریخ ۵ تیرماه، راهی زندان اوین شد. محمد ایران نژاد پیشتر نیز به واسطه فعالیت‌های خود سابقه بازداشت و محکومیت داشته است. مرتضی صیدی و نصرالله امیرلو، روز جمعه ۲۶ فروردین ماه توسط نیروهای امنیتی بازداشت شدند. آنها پس از چند روز از پلیس امنیت قلعه حسن خان تهران به بازداشتگاه وزارت اطلاعات موسوم به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شدند. آقای امیرلو در تاریخ ۱۲ اردیبهشت و آقای صیدی در تاریخ ۱۹ اردیبهشت ماه با تودیع قرار وثیقه از بازداشتگاه وزارت اطلاعات موسوم به بند ۲۰۹ زندان اوین آزاد شدند.

آنیشا اسداللهی با تودیع قرار وثیقه از زندان اوین آزاد شد. آنیشا اسداللهی فعال کارگری، امروز شنبه ۲۹ مرداد، با تودیع قرار وثیقه به صورت موقت و تا پایان مراحل دادرسی از زندان اوین آزاد شد. آنیشا اسداللهی و کیوان مهدی در تاریخ ۱۹ اردیبهشت ماه امسال، توسط نیروهای امنیتی در منزل خود بازداشت و سپس به بازداشتگاه وزارت اطلاعات موسوم به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شده بودند.

کنگره دهم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست در ماه اکتبر برگزار میشود!

کنگره دهم حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست در تاریخ ۸ و ۹ اکتبر ۲۰۲۲ در اسکاندیناوی به طور علنی برگزار میشود.

دفتر سیاسی حزب حکمتیست، احزاب، تشکلهای، نهادهای سیاسی و اجتماعی، شخصیتهای سیاسی اپوزیسیون جمهوری اسلامی، نیروهای چپ و کمونیست و نهادهای و فعالین سوسیالیست و کارگری را، رسماً به کنگره حزب دعوت میکند. ما از همه مبارزین سیاسی و از همه دوستان حزب دعوت میکنیم که در کنگره دهم حزب حکمتیست فعالانه شرکت کنند.

هیئت برگزار کننده کنگره مهمانان و شرکت کنندگان را از فرودگاهها و ایستگاههای مرکزی قطار شهرهای استکهلم و گوتنبرگ و اسلو به محل کنگره انتقال میدهد.

در اطلاعیه های بعدی اطلاعات لازم در مورد نحوه ثبت نام و هزینه شرکت در کنگره، جنبه های فنی و عملی ضروری در اختیار علاقمندان قرار خواهد گرفت. برای کسب اطلاعات میتوانید با آدرس ایمیل دفتر مرکزی حزب حکمتیست تماس بگیرید.

daftaremarkzy@gmail.com

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۵ اوت ۲۰۲۲

آدرسهای تماس با حزب
کمونیست کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی حزب

پروین کابلی

daftaremarkzy@gmail.com

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

siavash_d@yahoo.com

دبیر کمیته مرکزی

جمال کمانگر

jamalkamangar@yahoo.com

دبیر کمیته سازمانده

رحمان حسین زاده

hosienzade.r@gmail.com

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

sale.sardari@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج

نادر شریفی

sharifi.nader@gmail.com

**حجاب اسلامی لوگوی نظام آپارتاید جنسی و پرچم
فروستی و تحقیر زن است. حجاب ها را بسوزانید!
نابود باد نظام آپارتاید اسلامی!**

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سر دبیر: سیاوش دانشور

Siavash_d@yahoo.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سر دبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

هفتگی
کمونیست

برنامه های **تلویزیون پرتو**، رسانه حزب کمونیست
کارگری - حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال
آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به کارگران و
دوستانتان معرفی کنید. **آدرس خط زنده:**

<https://alternative-shorai.tv/>

زنده باد سوسیالیسم!